

بررسی حجیت مراسیل ابن ابی عمیر

دکتر محمد تقی دیاری بیدگلی

استادیار دانشگاه قم

چکیده

برخی از دانشمندان شیعه بر این باورند که ابن ابی عمیر جز از روایان ثقه نقل حدیث نمی‌کند؛ بنابراین در صورتی که واسطه را در زنجیره روایات حذف نموده، روایت را به شکل مرسل بیاورد، حکایت از وثاقت او دارد؛ بر این اساس بسیاری از محققان شیعی، مراسیل ابن ابن عمیر را همانند مسانید وی معتبر داشته‌اند. برخی نیز حجیت مراسیل وی را انکار نموده و به عدم تسویه مراسیل او با مسانیدش قائل شده‌اند. این مقاله تلاشی است برای شناسایی جایگاه محمد بن ابن عمیر نزد رجال شناسان شیعه و نیز بررسی حجیت و اعتبار مراسیل وی. از این روی، ضمن بیان اقوال و آراء گوناگون طرفداران و منکران حجیت مراسیل، به موارد نقض قاعده «تسویه» و پاسخ‌های آن نیز پرداخته شده‌است.

کلیدواژه‌ها: محمد بن ابن عمیر، رجال حدیث، مراسیل، قاعده تسویه.

۱. مقدمه

هدف اساسی علم رجال، شناخت احوال روایان حدیث است، از این جهت که آیا آنان شرایط ویژه حفظ و نقل روایات را دارند یا نه؟ آیا تعدیل و توثیق شده‌اند یا نه؟ توثیق روایان احادیث دوگونه است: توثیق خاص و توثیق عام. در صورتی که توثیق به طور

مشخص در خصوص یک یا دو نفر از راویان باشد، این نوع توثیق را خاص نامیده‌اند؛ مثل اینکه معصوم (ع) به وثاقت یک راوی تصریح نمایند؛ اما توثیق عام آن است که گروهی از راویان، با ضابطه ویژه‌ای توثیق شوند، نظیر وثاقت «اصحاب اجماع» (کلیات فی علم الرجال، ص ۱۴۹-۱۵۰).

یکی از توثیقات عمومی که بین علمای شیعه امامیه شهرت یافته، این است که محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی جز از موثق روایت نمی‌کنند. علمای علم رجال، از این قاعده کلی، دو مطلب مهم را نتیجه‌گیری نموده‌اند: یکی آن که هرکسی از محمد بن ابی عمیر و دو نفر دیگر روایت کند، به وثاقت او حکم داده می‌شود؛ دیگر آن که به مراسیل این سه نفر همانند مسانید آنان عمل می‌شود، گرچه واسطه، مجهول یا مهمل و یا محذوف باشد.

ظاهراً اولین کسی که این قاعده را مطرح نموده، مرحوم شیخ طوسی (ره) است و هیچ‌یک از معاصران شیخ و نیز متأخران وی تا قرن هفتم به جز نجاشی این قاعده را نقل نکرده‌اند. از قرن هفتم به بعد، بسیاری از علما و محققان برجسته به این قاعده تصریح نموده‌اند که مرحوم محدث نوری (ره)، اسامی و اقوال صریح آنان را در خاتمه مستدرک الوسائل ذکر کرده است. او در این نوشتار، پس از شرح حال ابن ابی عمیر و نیز اقوال علمای شیعه درباره این قاعده، به نقل و بررسی دلایل طرفداران و منکران حجیت مراسیل به ویژه مراسیل محمد بن ابی عمیر پرداخته است.

۲. محمد بن ابی عمیر از نگاه رجال‌شناسان

شرح حال و موقعیت علمی و اجتماعی محمد بن ابی عمیر در برخی از کتب رجال و تراجم آمده است. در کتب رجال دو نفر به نام محمد بن ابی عمیر وجود دارد. البته برخی از بزرگان نظیر محقق اردبیلی آن دو را یکی دانسته‌اند؛ لکن قرائن و شواهدی وجود دارد که یکی از آنان محمد بن ابی عمر از اصحاب امام صادق (ع) است که بدون واسطه از آن حضرت روایت می‌نماید و دیگری محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی است که از اصحاب سه امام بزرگوار امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بوده است. به هر حال، بحث کنونی ما در مورد همین محمد بن ابی عمیر اخیر است که هر سه امام را درک نموده است.

نجاشی محمد بن ابی عمیر را از معاصران دو امام بزرگوار امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) معرفی نموده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، رقم ۸۸۷) و در ادامه می آورد که خواهر ابن ابی عمیر، کتاب هایش را در دوران زندگی مخفیانه و چهار سال حبس وی، به خاطر مصون ماندن از دستبرد ایادی و مأموران دربار، دفن نمود که در نتیجه، همه کتابها از بین رفت. نقل دیگری است که خواهرش، کتابهای او را در اتاق ویرانه‌ای نهاد که در اثر ریزش شدید باران، همه آنان از بین رفت. وی از آن پس روایات را از حفظ و یا از طریق آنچه باقی مانده بود، نقل می نمود. بدین ترتیب بود که مراسیل ابن ابی عمیر برای اصحاب ما اطمینان بخش بوده است (همان).

وی در پایان برخی از مهم‌ترین کتابهای ابن ابی عمیر را چنین برمی شمارد: المغازی، الکفر و الایمان، البداء، الاحتجاج فی الامامة، الحج، فضائل الحج، المتعه، الاستطاعة، الملاحم، یوم و لیله، الصلاة، مناسک الحج، الصیام، اختلاف الحدیث، المعارف، التوحید، النکاح، الطلاق، الرضاع... (همان).
شیخ طوسی درباره محمد بن ابی عمیر آورده است:

وی از مورد وثوق‌ترین مردم نزد شیعه و اهل سنت و عابدترین و پاکدامن‌ترین آنان بود. جاحظ وی را در کتابش از برجسته‌ترین اهل زمان خویش در همه امور معرفی نموده است. وی سه امام را درک کرده و از آنان نقل حدیث نموده است. امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و احمد بن محمود بن عیسی کتابهای صد نفر از اصحاب امام صادق (ع) را از او روایت کرده است (تهرس الشیخ الطوسی، ص ۱۶۸، رقم ۶۱۸).

محقق اردبیلی در شرح حال محمد بن ابی عمیر، همان عبارات نجاشی را آورده، سپس به مجموعه روایات وی در کتب حدیثی اشاره نموده و در پایان نیز چنین افزوده است: نظر به این که وی از امام صادق (ع) فراوان روایت کرده است. ظاهراً چهار تن از امامان را درک کرده است. اگر گفته شود که وی به دلیل فاصله زمانی بعید است، از امام صادق (ع) بدون واسطه روایت کند، در پاسخ می‌گوییم: شهادت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ ق و فوت وی بر اساس نقل نجاشی و علامه سال ۲۱۷ ق رخ داده است؛ از این رو فاصله میان شهادت امام (ع) و فوت وی ۶۹ سال خواهد بود و اگر عمر محمد بن ابی عمیر حدود ۸۰ سال باشد، روایت او از امام (ع)

ممکن خواهد بود و مؤید سخن ما این است که شیخ، محمد بن ابی عمیر را در زمره رجال امام صادق (ع) یاد کرده است. البته از او به عنوان «ابن ابی عمر» نام برده شده است؛ اما چنان که در شرح حال او قرائنی را دالّ بر اشتباه بودن آن یاد آور شدیم، نام درست آن محمد بن ابی عمیر است (جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۰-۵۶).

آیه الله خوبی نظر محقق اردبیلی را مبنی بر این که محمد بن ابی عمر و محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی یکی اند، غریب می شمارد؛ زیرا محمد بن ابی عمیر بدون واسطه از امام صادق (ع) روایت می کند و ارسال در روایات یاد شده، غیر ممکن است و محمد بن زیاد بن عیسی در سال ۲۱۷ ق وفات یافته است؛ از این رو نمی توانسته است، امام صادق (ع) را درک کند.

علاوه بر این، محمد بن ابی عمیر بیاع سابری، در زمان حیات امام کاظم (ع) از دنیا رفته است؛ ولی محمد بن زیاد، مدت ۱۴ سال از دوره امام جواد (ع) را نیز درک نموده است؛ از این رو، احتمال یکی بودن آن دو هم به کلی ساقط است.

مؤید این که این دو نفر متفاوت اند، عبارتی است که کشی در شرح حال زرارة بن اعین به این قرار آورده است: «باسناد عن بنان بن محمد ابن عیسی عن ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن محمد بن ابی عمیر قال: دخلت علی ابی عبدالله (ع)...» (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۶۶).

این روایت، صراحت دارد بر این که ابن ابی عمیری که از هشام روایت می کند با محمد بن ابی عمیری که هشام از وی روایت می کند، مغایرند و ضعف سند در این گونه موارد ضروری ندارد.

آیه الله خوبی به مناسبت های مختلف درباره محمد بن ابی عمیر و هم چنین قاعده تسویه مطالب ارزشمندی بیان داشته است. به مناسبت بحث درباره توثیقات عامه و مشایخ ثقات متعرض مسأله شده است. وی ذیل رقم ۱۰۰۱۱ درباره محمد بن ابی عمر (أبی عمرة، ابی عمیر) می گوید: «البزّاز، بیاع السابری: یروی عنه الحسن بن محمد بن سماعة، من اصحاب الصادق (ع)، رجال الشیخ» (۴۱۱) (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۵).

و در رقم ۱۴۹۹۶ درباره ابن ابی عمیر می گوید که او از امام صادق (ع) روایت کرده است. وی پس از ذکر مأخذ احادیث در کتب من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام می افزاید: «این

ابن ابی عمیری که از اصحاب امام صادق (ع) است، با ابی عمیر معروف مغایرت دارد؛ اگرچه هر دو در این که نام آنان محمد است، مشترک باشند» (همان، ج ۲۲، ص ۱۰۱).

آیه الله خویی در رقم ۱۰۰۱۸ تحت عنوان محمد بن ابی عمیر زیاد، عبارات نجاشی و شیخ طوسی را در مورد وی ذکر نموده، آنگاه مطالبی را در مورد موقعیت علمی و فضایل اخلاقی و معنوی وی و نیز میزان عشق و پایبندی او به تشیع و ولایت اهل بیت (ع) و تحمّل حبس و تازیانه برای دفاع از حریم دینی شیعیان و خاندان ولایت، بیان داشته است (همان، ج ۱۴، ص ۲۷۹-۲۹۴). وی هم چنین تصریح می کند بر این که کلام نجاشی و شیخ که گفته اند، اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر اطمینان می کردند، هیچ اساسی ندارد. چه فرقی بین مراسیل وی و مراسیل دیگر ثقات وجود دارد؟ (همان، ص ۲۸۵).

گفتنی است در اسناد بسیاری از روایات - که بالغ بر ۶۴۵ مورد است - محمد بن ابی عمیر قرار گرفته است. برخی، مشایخ وی را ۴۱۰ نفر ذکر کرده اند. نوری از ۱۱۳ نفر در مستدرک نام می برد و در معجم رجال الحدیث در ذیل رقم ۱۴۹۹۷، حدود ۲۷۰ نفر را با حذف مکّرات ذکر می کند (همان، ج ۲۲، ص ۱۰۱-۱۲۹). صاحب کتاب مشایخ الثقات، در فهرست ویژه ای که برای هریک از ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی تنظیم نموده است، بالغ بر ۳۹۷ نفر را برای وی بر شمرده است (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۵-۲۱۶).

۳. تعریف حدیث مرسل

واژه مرسل از «ارسال الدابة» یعنی رها کردن و برداشتن قید و بند و زمام چهارپایان گرفته شده است؛ گویا رجال مند احادیث بسان زنجیره ای تا معصوم (ع) به هم پیوسته اند و محدث با اسقاط و حذف یک یا چند راوی، پیوند میان رجال مند با یکدیگر را قطع می کند.

در علم درایه حدیث مرسل را حداقل دو گونه عام و خاص تعریف کرده اند: شهید ثانی، مرسل را این گونه تعریف نموده است:

مرسل، روایتی است که شخص آن را از معصوم نقل کند، در حالی که او را درک نکرده است، خواه تابعی باشد یا غیر تابعی و خواه صغیر باشد یا کبیر و همین طور؛

چه یک نفر از زنجیره سند افتاده باشد یا بیشتر و چه بدون واسطه روایت نماید، مثل اینکه تابعی بگوید: «قال رسول الله (ص)» یا با واسطه روایت کند؛ لکن واسطه را فراموش نموده و تصریح به این معنا کرده یا واسطه را با آگاهی و علم خود حذف نموده و یا به طور مبهم ذکر کرده باشد؛ مثل این که بگوید: «عن رجلٍ یا بعض اصحابنا» و یا مانند آن (الدراية فی علم مصطلح الحدیث، ص ۴۷ و اصول الحدیث و احکامه، ص ۹۵).

این همان معنای عام «مرسل» است که در بین علمای شیعه معروف است. باید توجه داشت که اصطلاح مرسل در این معنا، شامل حدیث مرفوع به مفهوم شیعی اش^۱ و نیز موقوف، معلق، مقطوع، منقطع و معضل هم خواهد شد. این تعریف از مرسل در میان علمای شیعه رواج دارد؛ اما در میان علمای اهل سنت حدیث مرسل معنای محدودتری دارد. آنان هر حدیثی را که تابعی بدون واسطه به پیامبر اکرم (ص) اسناد دهد، مرسل نامیده‌اند؛ مانند این که سعید بن جبیر بگوید: قال رسول الله (ص).

سعید بن مسیب از این قبیل احادیث بسیار دارد. علمای عامه، احادیث مرسل وی را به منزله مسانید به شمار می‌آورند. امام الحرمین (۴۱۹-۴۷۸ق) در این باره گفته است: «مرسل، حدیثی است که سند آن اتصال ندارد؛ حال اگر این گونه احادیث از غیر صحابه باشد، حجیت ندارد، مگر مراسیل ابن مسیب که آنها را مسند به شمار آورده‌اند» (اصول الحدیث، ص ۹۵ و مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۳۳۸).

نمونه‌ای از این نوع حدیث در کتب حدیث شیعه این گونه است: «... عن محمد بن احمد عن يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن رجل عن ابي عبد الله (ع)، قال: كل غسلٍ قبله وضوء الا غسل الجنابة» (الکافی، ج ۳، ص ۴۵).

۴. عبارات اصلی حجیت مراسیل

عبارت اصلی در زمینه حجیت احادیث مرسل از به شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* تعلق دارد و به این قرار است: *هُؤُلَاءِ لَا يُزَوَّنُ وَلَا يُرْسَلُونَ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ*. شیخ طوسی در *عدة*

۱. یعنی حدیثی که از وسط سند یا آخر آن یک نفر و یا بیشتر از یک نفر افتاده باشد با تصریح به لفظ "رفع" مثل اینکه گفته شود: "روی الكلینی عن علی بن ابراهیم عن ابیه رفعه الی ابی عبد الله (ع)".

الاصول چنین آورده است:

هرگاه یکی از دو راوی مُسْنِد و دیگری مُرْسِل باشد، در حال مُرْسِل نگاه می‌شود. اگر از کسانی باشد که معلوم شود، جز از موثق ارسال نمی‌کند، خبر او بر خبر دیگری ترجیح ندارد؛ به همین رو طایفه امامیه میان روایات دو گروه ذیل به طور یکسان رفتار کرده‌است؛ میان روایات موثقانی که معروف شده‌اند، جز از موثقان روایت نمی‌کنند، مانند محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و روایات دیگرانی که به طور مسند روایت می‌کنند؛ به همین رو به مراسیل آنان هرگاه که به تنهایی از دیگران روایت کنند، عمل می‌کنند. اما هرگاه چنین نباشد و او از کسانی باشد که از موثق و غیر موثق ارسال می‌کنند، خبر دیگران بر خبر او ترجیح داده می‌شود و هرگاه او به تنهایی روایت کند، لازم است که در خبر او درنگ کرد تا آن که دلیلی بر لزوم عمل به آن یافت شود (عده الاصول، ج ۱، ص ۳۸۶، به نقل از کلیات فی علم الرجال، ص ۲۰۶).

از این سخن شیخ طوسی روشن می‌شود که در صورت مقایسه راوی مُسْنِد و مُرْسِل، وضعیت مُرْسِل در نظر گرفته می‌شود، اگر از جمله راویانی است که جز از موثقان به طور ارسال نقل روایت نمی‌کند، خبر مُسْنِد راوی مُسْنِد بر خبر مُرْسِل راوی مُرْسِل ترجیح داده نمی‌شود؛ بلکه به طور یکسان به آنها نگریسته می‌شود؛ به همین رو علمای شیعه میان آنچه را که محمد بن ابی عمیر و صفوان و بزظلی و دیگر ثقات به طور مُرْسِل روایت می‌کنند و مسانید دیگران فرقی نمی‌گذارند و به مراسیل آنان همسان مسانید دیگران عمل می‌کنند.

۵. اقوال درباره حجیت مراسیل

درباره حجیت احادیث مرسل اقوال را تا ۱۸ قول رسانده‌اند (المستدرک، رقم ۱۲۶)؛ اما در میان آنها دو قول مهم وجود دارد (مقباس الهدایه، ج ۱، صص ۳۴۱-۳۵۰):

برخی به طور مطلق به حجیت مراسیل در صورتی که مُرْسِل، موثق باشد، قایلند. این قول، به کسانی چون محمد بن خالد برقی و فرزندش احمد بن محمد بن خالد از علمای شیعه نسبت داده شده است و از علمای عامه، مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ق)، احمد بن محمد بن حنبل (۱۲۴-۲۴۱ق) و ابو هاشم معتزلی (۲۴۷-۳۲۱ق) و پیروان وی از معتزله، و

نیز سیف الدین الآمدی (۵۵۱-۶۳۱ق) این قول را پذیرفته‌اند.

برخی دیگر به طور مطلق به عدم حجیت مراسیل اعتقاد دارند. این قول را گروه بسیاری از علمای امامیه برگزیده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، محقق حلی (م ۶۷۶ق)، شهید اول (م ۷۸۶ق) و شهید ثانی (م ۹۶۶/۹۶۵ق) و سایر علمای متأخر.

از علمای عامّه نیز، از جمع زیادی نظیر حاجبی (م ۴۶۶ق) از فقهای مالکیه و قاضی عضدی شافعی (م ۷۵۷ق)، بیضاوی (م ۸۱۵ق) از اعلام شافعیه، فخر رازی (م ۶۰۶ق) صاحب تفسیر کبیر، قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ق) و محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ق) و دیگران نقل شده است که مراسیل را مطلقاً حجّت نمی‌دانند. البته هر یک از دو گروه یاد شده، برای خود دلایلی را ذکر کرده‌اند که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد.

بسیاری از قائلین به عدم حجیت مراسیل، احادیث مرسلی را که مُرسِل آنها معروف به وثاقت و عدالت باشد و از غیر ثقه روایت نکند، مثل محمد بن ابی عمیر نزد شیعه و سعید بن مسیب نزد شافعیه حجت دانسته و آنها را در رتبهٔ مسانید قرار داده‌اند. آنان عبارت‌اند از: شیخ طوسی، علامه، شهید، شیخ بهایی، فاضل آبی، محقق اردبیلی، محقق سبزواری، محقق صاحب جامع المقاصد، شیخ حر عاملی و جز آنان.

جعفر سبحانی در کتاب *اصول الحدیث و احکامه*، دربارهٔ حجیت مرسل را هفت قول به این قرار آورده است: (همو؛ *اصول الحدیث و احکامه*، ص ۹۵ و ۹۶)

۱. حجیت مرسل به طور مطلق، که منسوب به محمد بن خالد برقی مؤلف *المحاسن* و نیز فرزندش احمد بن خالد است.

۲. عدم حجیت به طور مطلق، که قول برگزیدهٔ علامه در *تهذیب الاصول* است.

۳. حجیت مرسل، در صورتی که راوی آن معروف است، به این که جز با واسطهٔ راوی عادل روایت نمی‌کند؛ مثل مراسیل ابن ابی عمیر. (این قول را میرزای قمی صاحب *القوانین برگزیده* است).

۴. حجیت مرسل، در صورتی که راوی معروف باشد که جز از راوی ثقه روایت نمی‌کند وگرنه حجیت آن منوط است به این که حدیث مسند صحیح با آن معارض نباشد. (این قول مختار شیخ طوسی است).

۵. توقف در مسئله (از ظاهر کلام محقق در المعارج این قول به دست می آید).
۶. تفصیل بین آنجا که واسطه با آگاهی راوی، حذف و اسقاط شده است و بین آنجا که به طور مبهم ذکر شده است که تنها در صورت اول، پذیرفته می شود.
۷. همان صورت پیشین، با این تفاوت که راوی به طور قطع، حدیث را به معصوم (ع) اسناد دهد؛ چنانکه شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه می فرماید: قال الصادق (ع).

۶. طرفداران حجیت مراسیل ابن ابی عمیر

گروه زیادی از محققان و فقها و علمای قرن هفتم به بعد، به برابری مراسیل کسانی چون ابن ابی عمیر و مسانید دیگران قائل شده اند و مراسیل آنان را حجت شمرده اند که اینک به گزارش سخنان برخی از آنان پرداخته می شود:

۱. سید بن طاووس (ت ۶۶۴ق) در فلاح السائل پس از نقل حدیثی که محمد بن ابی عمیر آن را از کسی از امام صادق (ع) نقل کرده است، می گوید: «راویان این حدیث جملگی ثقه اند و مراسیل محمد بن ابی عمیر نیز همانند مسانید است» (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۰۹-۲۱۰).

۲. محقق در المعبر در بحث مربوط به آب کز پس از نقل روایت مرسلی از محمد بن ابی عمیر از امام صادق (ع) مبنی بر این که کز هزار و دوست رطل است، می گوید: «امامیه بر طبق این روایت عمل نموده اند و اشکالی در مرسل بودن آن نیست؛ چه اینکه اصحاب ما به مراسیل ابن ابی عمیر عمل کرده اند» (همان).

۳. فاضل آبی حسن بن ابی طالب از شاگردان محقق در کشف الرموز (شرح مختصر نافع) در ضمن نقل روایت مرسلی از ابن ابی عمیر می گوید: «این روایت گرچه مرسل است، اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر عمل می کنند و گفته اند: آن به این جهت است که وی جز از فرد مورد وثوق و اعتماد روایت نمی کند» (همان).

۴. علامه در نهاییه می گوید: «عمل به روایت مرسل روا نیست، مگر اینکه جز از راوی

عادل روایت نکند؛ مانند مراسیل محمد ابن ابی عمیر به روایت وی عمل می شود» (همان).

۵. عمید الدین حلی شاگرد، خواهرزاده علامه حلی (م ۷۵۴ق) در کتاب منیة اللیبیب

فی شرح التهذیب در بحث مرسل می‌گوید: «حدیث مرسل نزد نویسندگان حجت نیست، مگر این که دانسته شود، راوی جز از راوی عدل و ثقة روایت نمی‌کند، نظیر محمد بن ابی عمیر در میان امامیه» (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۰).

۶. شهید (م ۷۸۶ق) در ذکر فی الشیعه در بیان احکام اقسام خبر، خبر مرسل را در صورتی که مرسل آن از راوی ضعیف روایت نکند، حجت می‌شمارد؛ مانند مراسیل ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر که امامیه آنها را پذیرفته‌اند؛ به این دلیل که آنان جز از ثقة ارسال ندارند (ذکر فی الشیعه، ص ۴).

۷. ابن فهد حلی (م ۴۱۴ق) در المهذب البارع در مسئله وزن کره، پس از نقل روایت ابن ابی عمیر می‌گوید: «ارسال این حدیث سبب ضعف آن نمی‌شود؛ چون اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر عمل کرده‌اند (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۱).

۸. محقق ثانی علی بن عبدالمعالی (م ۹۴۰ق) صاحب جامع المقاصد می‌گوید: «هر دو روایت از مراسیل ابن ابی عمیر صحیح‌اند و از جمله مسانید به شمار می‌روند» (همان، ص ۲۱۱).

۹. شهید ثانی (م ۹۶۵ق) می‌گوید:

مرسل بنا بر قول اصح مطلقاً حجت نیست، مگر اینکه دانسته شود مرسل آن از روایت از غیر ثقة اجتناب می‌ورزد؛ مانند ابن ابی عمیر از اصحاب ما همان‌طور که بسیاری یاد آورده‌اند و سعید بن مسیب نزد شافعی؛ بنا بر این مرسل پذیرفته می‌شود و در مرتبه سند قرار می‌گیرد (الدرايه و شرحها فی علم مصطلح الحدیث، ص ۴۸).

۱۰. میرزا استرآبادی گوید: «ابراهیم بن عمر نزد نجاشی ثقة است و ابن غضائری او را تضعیف کرده است و قول اول رجحان دارد؛ به دلیل اینکه ابن ابی عمیر به واسطه حماد از وی روایت کرده است» (منهج المقال، ص ۲۵، نقل از کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۱).

۱۱. شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق) گوید: «از حال مرسل دانسته می‌شود که جز از ثقة روایت نمی‌کند؛ از این رو در زمره احادیث صحیح شمرده می‌شود؛ نظیر مراسیل محمد بن ابی عمیر» (الوجیزة، ص ۶؛ نهایة الدراية، ص ۲۶۹؛ مشرق الشمسین، ص ۳۸۴ و ۴۵۰).

۱۲. شیخ حر عاملی نیز کلام شیخ طوسی را درباره این قاعده نقل می‌کند (وسائل

۱۳. وحید بهبهانی می‌گوید: «روایت صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر از راوی، نشان وثاقت اوست؛ زیرا شیخ در عده می‌گوید: "این دو جز از ثقه روایت نمی‌کنند."» (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۲، به نقل از تعلیقه محقق بهبهانی، ص ۱۰)

۱۴. شیخ عبدالنبی بن علی بن احمد بن الجواد در مورد «برد الاسکاف» به نقل از محقق سبزواری می‌گوید: «رجال شناسان وی را توثیق نکرده‌اند؛ جز اینکه وی را کتابی است که ابن ابی عمیر آن را روایت می‌کند و از همین معنا، توثیق وی استفاده می‌شود» (التکملة، ج ۱، ص ۲۲۱، نقل از کلیات فی علم الرجال).

۱۵. شیخ اعظم انصاری می‌فرماید: «اگرچه روایت یاد شده مرسل است، ارسال آن ضروری ندارد؛ زیرا مشهور است که مراسیل ابن ابی عمیر در حکم مسندات است (انصاری مرتضی؛ الصلاة، ج ۶، ص ۷۱ و الرسائل، ج ۱، ص ۱۵۹)

۱۶. علامه مامقانی نیز بر موضع خود نسبت به حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، صفوان و بزندی پافشاری می‌کند (مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۳۵۶)

۱۷. امام خمینی نیز از طرفداران این نظریه است؛ یعنی فقط مرسلات ابن ابی عمیر را معتبر دانسته، ولی معتقد است که مسانید او باید بررسی شود (امام خمینی، روح الله؛ المکاسب المحترمة، ج ۱، ص ۲۵۸).

۷. منکران حجیت مراسیل ابن ابی عمیر

گروهی دیگر از بزرگان، حجیت مراسیل کسانی مانند ابن ابی عمیر را انکار کرده، قائل شده‌اند که میان مسانید و مراسیل آنان ارزش یکسانی وجود ندارد که افراد ذیل از آن جمله‌اند:

۱. شیخ طوسی در مواردی به عدم حجیت مرسلات وی قائل شده‌اند (التهدیب، ج ۱، ص ۴۳، ج ۷، ص ۳۱ و ج ۹، ص ۳۱۳)؛ لکن آنچه را که شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* مطرح نموده (عدة الاصول، ج ۱، ص ۳۸۶)، چیزی است که در اواخر حیات خود بدان تکیه و اعتماد کرده و گویا از نظر خود در کتاب *تهدیب* و *استبصار* عدول نموده‌اند (کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۴).

۲. محقق در *المعتبر* می‌نویسد:

این سخن که مراسیل ابن ابی عمیر مورد عمل اصحاب است، مردود است؛ چون در رجال او کسانی قرار دارند که علمای شیعه آنان را مورد طعن قرار داده‌اند و ممکن است هنگام ارسال، یکی از راویان مورد طعن، در سلسله سند باشد (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۵۰ و المعتمد، ج ۱، ص ۱۶۵).

شیخ بهایی سخن محقق را اینگونه پاسخ می‌دهد: گاهی روایت او از غیر موثق - چنان که پنداشته می‌شود - در آن زبانی وارد نمی‌کند؛ زیرا آورده‌اند که او جز از موثق ارسال و روایت نمی‌کند (الوجیزه، ص ۶، طبع المكتبة الاسلامیه).

ناگفته نماند که سخن شیخ بهایی با کلام شیخ در عده انطباق ندارد؛ چرا که شیخ در عده درباره مشایخ ثقات گفته‌اند: «آنان معروف‌اند به این که جز از موثق روایت و ارسال نمی‌کنند»؛ به این ترتیب، همان‌طور که حدیث مرسل را جز از ثقة نقل نمی‌کنند، باید حدیث مسند را نیز جز از ثقة روایت نکنند. پس اگر موردی یا مواردی یافت شود که اینان از افراد غیر ثقة، روایت کرده باشند، قاعده یادشده، باطل می‌گردد.

۳. سید جمال الدین بن طاووس (م ۶۷۳ق) مخالفت خود را با قاعده تسویه اعلام کرده است (شهید ثانی، الدرایه، ص ۴۹).

۴. شهید ثانی می‌فرماید: «این معنا که مُرسِل جز از موثق روایت نمی‌کند، ایراد دارد (لدرایه، ص ۴۸).

۵. شیخ حسن صاحب معالم و فرزند شهید ثانی (م ۱۱۰۱ق) در مورد حجیت مراسیل محمد بن ابی عمیر، اشکال کرده است (اردبیلی، زبده البیان، ص ۵۹۵).

۶. محقق اردبیلی از کسانی است که مراسیل را حجت نمی‌داند؛ حتی اگر از ابن ابی عمیر باشد. وی در جایی می‌فرماید: «روایت مورد نظر مرسل است؛ گرچه راوی ابن ابی عمیر است و گفته شده است که مراسیل او حجت است؛ ولی ما آن را قبول نداریم» (همو، مجمع الفوائد و البرهان، ج ۱، ص ۱۴۴). وی در جایی دیگر از این اطلاق دست برداشته، می‌گوید: «البته اگر بدانیم ارسال کننده فقط از راوی عادل شناخته شده و معروف ارسال می‌کند، روایاتش مرسله مقبوله به شمار می‌رود؛ ولی اگر راوی، عادل غیر معروف باشد، در خور بحث است؛ زیرا ممکن است نزد مُرسِل، عادل، ولی نزد ما

عادل نباشد» (دانش درایة الحدیث، ص ۱۷۸).

۷. آیه الله خوئی از جمله کسانی است که احادیث مرسل را قبول ندارد. وی می‌گوید: «مرسله ابن ابی عمیر به جهت ارسال آن قابل اعتماد نیست و این سخن که مراسیل وی مانند مسانید اوست، ادعایی بیش نیست» (خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۳).

۸. دلایل طرفداران حجیت مراسیل ابی عمیر

مهم ترین و محکم ترین دلایل طرفداران حجیت مراسیل به این شرح است (مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۴۷):

۱. روایت عدل ثقه، مستلزم عدالت و وثاقت واسطه محذوف در سلسله سند است؛ زیرا عدل، جز از عدل روایت نمی‌کند؛ در غیر این صورت، با عدالت وی منافات خواهد داشت. این استدلال را مخدوش دانسته‌اند؛ زیرا اولاً، این استدلال اختصاص دارد به جایی که واسطه محذوف باشد؛ نه آنجا که به طور مبهم ذکر شود؛ ثانیاً، روایت عدل ثقه، موجب توثیق و تعدیل واسطه نمی‌گردد؛ زیرا بسیاری از راویان عادل از ضعف روایت می‌کنند.

۲. ظاهر اسناد خبر به معصوم (ع)، کاشف از علم به صدور آن از معصوم (ع) است؛ زیرا نسبت کذب با عدالت منافات دارد؛ بنابراین، لازمه عدالت مرسل، قبول مرسل است. این دلیل نیز مردود شمرده شده است: اولاً، این دلیل آنجایی را که واسطه به طور مبهم ذکر شده باشد، دربر نمی‌گیرد؛ ثانیاً، نهایت مفاد این دلیل، این است که عدالت واسطه را آشکار می‌سازد و این در حد شهادت مرسل است؛ نه وثاقت شخص مجهول العین و لذا کارساز نیست؛ زیرا احتمال وجود جارح را از بین نمی‌برد.

۳. علت تحقیق در مورد خبر، وجود فسق است که در اینجا فسق، منتفی است. به این دلیل نیز این چنین اشکال شده است که علت تحقیق، احتمال فسق است؛ نه نفس فسق، و این احتمال، در اینجا موجود است. به عبارت دیگر، انتفاء علت تحقیق، منوط به ثبوت عدالت است و احراز شرطیت عدالت، در صورتی است که احتمال فسق هم منتفی باشد.

۴. میرزای قمی (ت ۱۲۳۱ق) می‌فرماید:

مُرْسِل، وقتی جز از ثقه ارسال نمی‌کند، این خود کاشف از اعتماد وی بر صدق واسطه و وثوق به خبر اوست که ارزش آن از اطمینانی که از طریق توثیق رجالی یا از طریق صدق خبر فاسق که پس از تحقیق و تبیین به دست می‌آید، کمتر نیست و به همین جهت است که به مسائید ابن ابی عمیر اعتماد می‌کنیم؛ گرچه «مروئ عنه» مذکور در سند را علمای رجال توثیق نکرده باشند؛ زیرا روایت ابن ابی عمیر از وی، مفید اطمینان عرفی به وثاقت مروئ عنه است (مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۳۵۲ و ۳۵۳ و اصول الحدیث و احکامه، ص ۹۶ و ۹۷).

البته این وثوق و اطمینان به حدیث مرسل، تا زمانی است که معارضی قوی‌تر از آن وجود نداشته باشد. وی در ادامه می‌افزاید:

هدف ما اثبات حجیت نظیر این مراسیل است؛ نه این که آنها را صحیح - به این معنا که واسطه در آنها عادل است - بدانیم؛ لذا آنها را کالصحیح (همانند صحیح) می‌نامیم (همان، ج ۱، ص ۳۵۳).

هم‌چنین مامقانی در ردّ اشکال شهید ثانی، به پاسخ میرزای قمی و استدلال وی اشاره کرده و بر موضع خود نسبت به حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، صفوان و بزنتلی پافشاری می‌کند. (همان، ج ۱، ص ۳۵۶)

۹. دلیل منکران حجیت مراسیل ابن ابی عمیر

متقن‌ترین دلیل منکران حجیت مراسیل این است که شرط جواز پذیرش روایت، شناخت عدالت راوی است و این شرط در اینجا ثابت و محرز نیست؛ زیرا روایت شخص ثقه و عدل، موجب تعدیل و توثیق واسطه نمی‌گردد؛ بلکه روایت، اعم از تعدیل است (همان، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۵۱).

البته، چنان‌چه حدیث مرسل بین محدثان شیعه، تلقی به قبول گردد، به جهت کاشفیت علم به آن و تلقی به قبول آنان - که قرینه محکمی بر صدق و صدور حدیث از معصوم (ع) به شمار می‌رود - حجت خواهد بود؛ از این رو، اهمیت و اعتبار این نوع حدیث مرسل، کمتر از حدیث مسند صحیح نخواهد بود (همان).

پیش‌تر هم به این نکته اشاره شد، بسیاری از علمای شیعه احادیث مرسل را حجت

نمی‌دانند؛ اما حدیث مرسلی را که مُرسِل آن، عدل و ثقه باشد و از غیر ثقه، روایت نکند، نظیر ابن ابی عمیر، در قوه و مرتبه مسند قرار می‌دهند؛ بلکه ظاهر عبارت شهید در ذکری این بود که اصحاب بر آن اتفاق دارند(همان).

۱۰. موارد نقض قاعده و پاسخ‌های آن

جعفر سبحانی به موارد نقض قاعده معروف هولاء لایرون و لایرسلون الا عن ثقه اشاره نموده و هریک از آنها را به طور جداگانه و کامل پاسخ داده‌اند. در مجموع نام هشت نفر از مشایخ ضعیف محمد بن ابی عمیر را به عنوان موارد نقض، ذکر کرده‌اند که در اینجا خلاصه آن را درباره سه تن از آنان یعنی علی بن ابی حمزه، یونس بن ظبیان و علی بن حدید، یادآور می‌شویم(کلیات فی علم الرجال، ص ۲۳۵-۳۵۰):

الف. علی بن ابی حمزه بَطَّائِنی: روی الکلبینی عن ابن ابی عمیر، عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر قال: شکوت الی ابی عبدالله - علیه السلام - الوسواس... (الکافی، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۲۰)

کشی از ابن مسعود عیاشی روایت می‌کند که گفت: «از علی بن حسن بن فضال شنیدم، می‌گفت: ابن ابی حمزه کذاب و ملعون است. من احادیث بسیاری را از وی روایت نمودم و تفسیر قرآن را از آغاز تا انجام آن نگاهشتم؛ جز اینکه روا نمی‌دانم که از وی حتی یک حدیث نقل نمایم» (رجال الکشی، ص ۳۴۵).

علی بن ابی حمزه، گرچه واقفی و ضعیف المذهب است (رجال النجاشی، ص ۲۴۹، رقم ۶۵۶)؛ لکن در حدیث، ضعیف نیست و طعن در مورد وی به جهت توقفش در خصوص امامت امام موسی بن جعفر (ع) و عدم اعتقاد به امامت امام رضا (ع) است و نه به جهت نقل و روایت، و پیش‌تر نیز بیان شد که مراد از عَمَن یوثق به در عبارت کشی، موثوق بودن در حدیث است؛ از این رو، در صورتی که راوی، مسلمان باشد و از کذب در روایت نیز پرهیز کند، کافی است و از عبارت شیخ در حده، شرط امامی بودن راوی بر نمی‌آید، بنابراین، نقض قاعده تلقی نمی‌شود.

اما آنچه که از عیاشی درباره ابن ابی حمزه نقل شده، مبنی بر این که او کذاب و ملعون

است، چنان‌که صاحب معالم در پاورقی التحریر الطاووسی یادآور شده‌است، به فرزندش یعنی حسن بن علی بن ابی حمزه مربوط‌است؛ نه خود وی؛ به علاوه ابن ابی حمزه در مقام اطلاق، بین پدر و فرزند، مشترک است و....

همچنین احتمال دارد که ابن ابی عمیر در حال استقامت علی بن ابی حمزه از او روایت نموده باشد و پس از انحرافش از وی نقل حدیث نکرده باشد. وانگهی واقفی بودن وی نیز چندان ثابت نیست؛ زیرا ادله دال بر این موضوع با ادله‌ای دیگر معارضند. ب. یونس بن ظبّیان: روی الشیخ عن موسی بن القاسم، عن صفوان و ابن ابی عمیر عن برید او یزید و یونس بن ظبّیان قالوا: "سألنا ابا عبدالله - علیه السلام - عن رجلٍ یحرم فی رجب او فی شهر رمضان، حتی اذا کان اوان الحجّ أتی متمّماً فقال: لا بأس بذلك" (التهدیب، ج ۵، ص ۳۲، ح ۹۵).

نجاشی گوید: «یونس بن ظبّیان کاملاً ضعیف‌است و به آنچه او روایت می‌کند، التفات نمی‌شود. همه کتاب هایش تخلیط‌است» (رجال النجاشی، ص ۴۴۸، رقم ۱۲۱۰) و کاظمی گوید: «علمای علم رجال در مذمت و نکوهش وی مبالغه نموده‌اند و به وی نسبت کذب، ضعف مذهب و غلو و جعل حدیث داده‌اند؛ حتی از امام رضا (ع) لعن بر او را نقل کرده‌اند» (التکملة، ج ۲، ص ۶۳۰).

به نظر می‌رسد، محمد بن ابی عمیر، در آنجا که خود به تنهایی روایت کند، از غیر ثقه روایت نمی‌کند؛ به همین رو، چنانکه از معجم الرجال چنین بر می‌آید (معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۳۲۰)، از یونس بن ظبّیان، غیر از این حدیث، حدیث دیگری را نقل نکرده‌است؛ اما هنگامی که خود به تنهایی روایت نکند، در این صورت، صرفاً برای تأیید خبر، نقل روایت نموده‌است.

در اینجا نیز وی از برید و یونس با هم روایت کرده‌است و یونس گرچه ضعیف‌است، از برید نیز روایت نموده‌است (التهدیب، ج ۵، ص ۳۲، ح ۹۵) و یا از یزید (الاستبصار، ج ۲، ح ۵۱۳).

البته احتمال اولی بعید‌است؛ زیرا ابن ابی عمیر از برید بن معاویه که در زمان حیات امام صادق (ع)، یعنی قبل از سال ۱۴۸ فوت نموده، نمی‌تواند روایت کند.

احتمال دارد که مراد از یزید، ابا خالد قمّاط ثقه باشد که صفوان نیز از او و او از امام

صادق(ع) روایت کرده است(رجال النجاشی، ص ۴۵۲، رقم ۱۲۲۳)؛ بنابراین نقل ابن ابی عمیر از وی صحیح است. این احتمال هم هست که مراد از یزید، یزید بن خلیفه که از اصحاب امام صادق(ع) است، باشد و صفوان نیز از وی روایت کرده است(الاستبصار، ج ۳، ح ۳۷۲).

احتمال دارد که بین ابن ابی عمیر و یونس، واسطه‌ای وجود داشته است که در هنگام روایت افتاده است؛ زیرا یونس در زمان حیات امام صادق(ع) وفات نموده است و امام(ع) در سال ۱۴۸ق رحلت کرده است، و بعید است که ابن ابی عمیر(م ۲۱۷ق) از مثل یونس روایت کند، مگر اینکه جزو معمرین باشد تا بتواند از شاگردان امام(ع) که در زمان حیات وی وفات یافته‌اند، اخذ روایت کند و این معنا قطعی نیست.

ج. علی بن حدید: روی الشیخ عن الحسین بن سعید، عن ابن ابی عمیر، عن علی بن حدید، عن جمیل بن درّاج عن بعض اصحابه عن احدهما - علیهما السلام - فی رجل کانت له جاریة فوطئها ثم اشترى امها او ابنتها، قال: لاتحلّ له (التهدیب، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۱۱۷۱ و الاستبصار، ج ۳، ح ۵۷۵). بر حسب ظاهر، ابن ابی عمیر جز این روایت از علی بن حدید روایتی ندارد و این قرینه است بر اینکه علی بن حدید معاصر وی بوده؛ نه مروی عنه. حسین بن سعید از هر دوی آنان باهم روایت کرده است(معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۲۹۳).

شیخ، علی بن حدید را در رجالش در زمره اصحاب امام رضا(ع) و امام جواد(ع) ذکر کرده است و در فهرس آورده است که او را کتابی است(رجال الشیخ الطوسی، ص ۴۰۲ و الفهرست، ص ۱۱۵). کشی گوید: «وی فطحی مذهب و از اهل کوفه است و امام رضا(ع) را درک نموده است». علامه گوید: «علی بن حدید بن حکیم را شیخ در کتاب استبصار و تهدیب تضعیف نموده است و متفردات وی قابل اعتماد نیست»(خلاصة الاقوال، ص ۳۷۷، رقم ۱۴۴۲).

شیخ، علی بن حدید را در دو جای استبصار تضعیف نموده است: یکی در باب البئر تقع فیها الفأرة و غیرها که در آنجا درباره روایتی از علی بن حدید گفته است: «این خبر مرسل است و راوی آن ضعیف است و این احتجاج به خبر او را تضعیف می‌کند»(الاستبصار ج ۱، ص ۴۰، ح ۱۱۲). دیگری در باب النهی عن بیع الذهب بالنضه نسیئةً گوید: «در طریق خبر زراره علی بن حدید قرار دارد که کاملاً ضعیف است و به خبری که او به تنهایی روایت کند،

اعتمادی نیست» (همان، ج ۳، ص ۹۵، ح ۳۲۵).

پاسخ این اشکال را به دو صورت می‌توان داد:

اول آن که ضعف علی بن حدید، قطعی نیست؛ حتی ظاهر آنچه از کشی در ترجمه هشام بن الحکم و یونس بن عبدالرحمن روایت شده است، در وثاقت اوست (رجال الکشی، ص ۲۳۷). علاوه بر این، وی از جمله رجال کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم قمی است و همین معنا وثاقت او را تأیید می‌نماید.

دوم این که در سند روایت، تصحیف رخ داده است و ظاهراً «عن علی بن حدید» تصحیف شده «و علی بن حدید» است به دلیل این که اولاً، در بسیاری از موارد، ابن ابی عمیر بدون واسطه از جمیل روایت می‌کند. روایات وی از جمیل بیش از ۲۹۸ مورد است (معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۲)؛ بنابراین بسیار بعید است که ابن ابی عمیر، این میزان روایت را از جمیل بدون واسطه نقل می‌کند، تنها یک روایت را با واسطه نقل کند؛ ثانیاً، هر دو نفر، یعنی ابن ابی عمیر و علی بن حدید، در یک طبقه از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) هستند. نجاشی به روایت علی بن حدید از ابوالحسن موسی بن جعفر - علیه السلام - تصریح نموده است (رجال النجاشی، ص ۲۷۴، رقم ۷۱۷)؛ ثالثاً، در کتب اربعه، ابن ابی عمیر از علی بن حدید، هیچ روایتی جز این مورد ندارد و این معنا، تأکید می‌کند که علی بن حدید، استاد ابن ابی عمیر نیست؛ بلکه هر دو در یک طبقه‌اند و گرنه صرفاً یک روایت را از وی نقل نمی‌نمود.

۱۱. نتیجه

برای اولین بار شیخ طوسی در کتاب عدّة الاصول خود آورد که برخی از اصحاب ائمه مانند ابن ابی عمیر در روایاتی که نقل می‌کنند، چه در مسانید و چه در مراسیل خود، جز از موثقان نقل حدیث نمی‌کنند. بسیاری از دانشمندان بعدی این سخن را تلقی به قبول کردند و برخی هم در صدد انکار آن برآمدند و با ملاحظه واسطه‌های آنان در مسانیدشان که علمای رجال آنان را تضعیف کرده‌اند، این موارد را دلیل گرفتند بر این که مراسیل آنان نیز باید از راویان ضعیف و غیر موثق نقل شده باشد؛ از این رو گفتند: نباید

روایات مرسل آنان را حجت و معتبر دانست؛ اما به نظر می‌رسد، مواردی را که به عنوان نقض سخن مورد بحث برشمرده‌اند، توجیه‌پذیر است؛ زیرا بر ضعف برخی از روایان میان رجالیون شیعه اتفاق نظر نیست و بعضی از روایان در زمان سلامتشان از جرح نیز نقل حدیث کرده‌اند و بسا روایات ابن ابی عمیر و امثال او از آنان در زمان سلامتشان بوده باشد یا برخی از جرح‌ها نظیر واقفی بودن راوی به وثاقت او در نقل حدیث زبانی نمی‌رساند.

منابع.....

اردبیلی، احمد؛ زیادة البیان، تهران، مرتضوی، بی‌تا.

اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائدة والبرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، بی‌تا

اردبیلی، محمد بن علی؛ جامع الرواة، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۵، ۱۴۰۳ق

انصاری، شیخ مرتضی؛ الرسائل (فوائد الاصول)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا

انصاری، شیخ مرتضی؛ الصلاة، قم، کنگره شیخ انصاری، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق

بهایی عاملی (شیخ)، محمد بن الحسین؛ الوجیزه، ترجمه مهدی مرعشی، انتشارات فیروزآبادی، ۱۴۰۷ق

بهایی عاملی (شیخ)، محمد بن الحسین؛ مشرق الشمسین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ج ۱، ۱۴۱۲ق

جبعی عاملی، زین الدین؛ الدراية فی علم مصطلح الحدیث، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، بی‌تا

جبعی عاملی، زین الدین؛ ذکرى الشیعه فی احکام الشریعة، قم، مکتبه بصیرت

حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد؛ المستدرک علی الصحیحین، الریاض، نشر مکتبه النصر الحدیثه

حرّ عاملی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ تفصیل وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۶، ۱۴۰۳ق

حلّی، جعفر بن حسن؛ المعتمِر، قم، موسسه سیدالشهداء، ج ۱، ۱۳۶۴

حلّی، حسن بن یوسف؛ خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، مؤسسة نشر الفقاهة، ج ۱، ۱۴۱۷ق

خمینی (امام)، سید روح الله؛ المكاسب المحرّمة، قم اسماعیلیان، ج ۳، ۱۳۶۸ش

خویی (آیت الله)، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث، بیروت، دارالزهراء

ربانی، محمد حسن؛ دانش درایة الحدیث، ج ۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ش

سبحانی، جعفر؛ اصول الحدیث و احکامه، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ج ۲، ۱۴۱۴ق

سبحانی، جعفر؛ کلیات فی علم الرجال، قم، مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۴۱۰ق

صدر، سیدحسن؛ نه‌ایة الدرایة، با تصحیح ماجد غرباوی، قم، ج ۱، بی تا
 طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ۳، ۱۳۹۰ ق
 طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ العدة فی الاصول، قم، ج ۱، ۱۴۱۷ ق
 طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ الفهرست، مشهد، چاپخانه دانشگاه مشهد، ج ۱، ۱۳۵۱ ش
 طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام؛ بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق
 طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن؛ رجال الطوسی؛ تصحیح محمد صادق بحر العلوم، نجف، مطبعة
 الحیدریه، ج ۱، ۱۳۸۱

کاظمی، عبدالنبی؛ تکملة الرجال، مطبعة الآداب، النجف الاشرف، بی تا
 کشی، ابو عمرو؛ اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ ش
 کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، بیروت، دارالتعارف، ج ۴، ۱۴۰۱ ق
 مامقانی، شیخ عبدالله؛ تنقیح المقال، نجف، مکتبه المرتضویة، ۱۳۵۲ ش
 مامقانی، شیخ عبدالله؛ مقیاس الهدایة، قم، آل البيت (ع)، ج ۱، ۱۴۱۱ ق
 مدیر شانه چی، کاظم؛ درایة الحدیث، قم، انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۳ ش
 نجاشی، احمد بن علی؛ رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق
 نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۳ ش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی